




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.85163.1250>

پژوهشی

بررسی پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس

ابوالفضل نظری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

abolfazl655@yahoo.com

حجت مهکویی (گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. نویسنده مسئول)

hojat_59_m@yahoo.com

امیر گندمکار (گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

aagandomkar@gmail.com

علی شمس‌الدینی (دانشیار گروه شهرسازی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران)

ali.shamsoddini@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس چه مواردی می‌باشند؟ بنابراین، به لحاظ هدف کاربردی-توسعه‌ای و به لحاظ نوع روش تحقیق، کمی با ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر، ۱۳۸ نفر از افراد کارشناس و نخبه در زمینه جغرافیای سیاسی و مدیریت منابع آب در سطح استان فارس بوده و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۰۲ نفر به صورت در دسترس در نظر گرفته شدند. داده‌های گردآوری شده بر اساس آزمون تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج یافته‌های مقاله نشان داد که مهم‌ترین پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس در ۴ عامل محیط‌زیست جانوری-گیاهی، محیط طبیعی، اقلیم و محیط‌زیست انسانی به ترتیب دسته‌بندی شدند که مهم‌ترین پیامدها شامل (تغییر مسیر مهاجرت‌های حیات وحش، از بین رفتن گونه‌های گیاهی، کاهش پرورش آبزیان در حوضه آبخیز، از بین رفتن گونه‌های جانوری) از عامل محیط‌زیست جانوری-گیاهی؛ (شور شدن آب، آلودگی منابع آب، شور شدن خاک، بین رفتن و خشک شدن چاه‌ها و قنات) از شاخص محیط طبیعی؛ (افزایش نواحی بیابانی، افزایش دما، افزایش وزش

بادهای تند و گرم و تغییر اقلیم ناحیه‌ای) از شاخص اقلیم و (از بین رفتن زیرساختها و مسکن و از بین رفتن روستاها) از شاخص محیط زیست انسانی متأثر می‌شوند. واژگان کلیدی: امنیت زیست محیطی، بحران آب، حوضه‌های آبریز، استان فارس.

مقدمه

رابطه انسان و طبیعت، رابطه‌ای حیاتی است و سلامت انسان در گرو سلامت طبیعت است؛ مسایل محیط-زیست مرز نمی‌شناسند و توقف ندارند. کره زمین پدیده‌ای یکپارچه است و حفظ سلامت آن هم وظیفه‌ای عمومی و جهانی است (زین‌العابدین عموقین، ۱۳۹۸: ۱۸). تا نیمه دوم قرن بیستم، طبیعت بخش مسلط در روابط بین موجودات انسانی و طبیعت بود. بعد از سال ۱۹۴۵، صنعتی شدن و شهری شدن به آرامی به واقعیت‌های جهانی تبدیل شدند و فشار بر محیط زیست اساساً افزایش یافت. اکنون انسان به جایی رسیده که طبیعت به گونه بنیادی تحت تأثیر فعالیت‌هایش قرار دارد و در زمان ما طبیعت به فشار و سوء استفاده از آن واکنش نشان می‌دهد. طبیعت با ظرافت با روابط درونی میان گونه‌ها در تعامل است. قدرت در حال افزایش انسانها و روشی که در آن انسانها به طبیعت به عنوان منبع غنی مورد نیاز فعالیت انسانی نگریسته‌اند، این تعادل میان انسانها و طبیعت را خدشه دار کرده است (کهیل، ۱۳۸۷: ۴-۳). در بیشتر طی تاریخ زندگی بشر، ذخایر آب شیرین دنیا بیش از مقدار لازم برای تأمین نیاز انسانها و حفظ یکپارچگی و تنوع بیولوژیکی محیط زیست کره زمین بوده است. ولی با رشد جمعیت، امکان دسترسی به آب شیرین در هر زمان و مکان خاص به شکل فزاینده‌ای کاهش یافته است.

آب یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و بقای جوامع بشری در طی تاریخ بوده است. اهمیت این ماده حیاتی در همه مناطق یکسان نیست و در مناطق دارای کمبود آب آن را به یک موضوع و منبع تنش تبدیل می‌کند که حتی منجر به درگیریهایی در مقیاسهای مختلف می‌شود. به دنبال انقلاب صنعتی و افزایش قدرت سلطه انسان بر طبیعت، آب نیز به دلیل افزایش نیاز انسانها که ناشی از افزایش جمعیت و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی بود، مورد مداخلات وسیع انسانی قرار گرفت و از نظر کمی و کیفی دچار تنزل جدی شد که این امر محیط زیست را نیز هم از جهت کاهش حبابه و هم کاهش کیفیت آب دچار چالش اساسی نمود. از آنجایی که تخریب محیط زیست، زیست انسان، موجودات و نباتات دیگر و به عبارتی حیات را به مخاطره می‌اندازد و همچنین ارتباط بسیار زیاد تخریب محیط زیست با مسئله آب نیازمند پژوهش و سپس اقدامات لازم است. در حقیقت فضای جغرافیایی که انسان در آن ساکن است دارای سه عامل مهم و حیات بخش است که عبارتند از: آب، هوا و خاک. اگر هر یک از این عوامل سه گانه تحت تاثیر فعالیت‌های مخرب انسان قرار گیرند فضای زیستی انسان که همان اکوسیستم است تحت تاثیر قرار می‌گیرد. آب که یکی از

مهمترین عوامل سه‌گانه است و امکان محدودیت در آن به دلیل فعالیتهای انسان وجود دارد، حیات را در یک چرخه زیستی تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و یک اکوسیستم را از حالت تعادل خارج می‌کند. این عدم تعادل را به وضوح می‌توان در نابودی و مهاجرت گونه‌های انسانی و جانوری مشاهده کرد (مختاری‌هشی و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

به باور بری بوزان، در گذشته تهدیدات زیست‌محیطی تهدیداتی زودگذر و موقت به شمار می‌رفت و بنابراین خطری جدی برای نهاد دولت و کشورها در بر نداشت. اما امروزه به دلیل وجود چالش‌های جدید و جدی زیست‌محیطی - مانند آتش‌سوزی‌های گسترده، گرم شدن کره زمین و افزایش سطح آب دریاها - این چالش‌های می‌تواند نهاد دولت را تهدید نماید. به طور کلی، امنیت زیست‌محیطی، امنیتی است که در چارچوب آن برخورداری از طبیعت و محیط‌زیست سالم و غنی، حق طبیعی انسان تلقی شود و از آن حمایت به عمل آید. امنیت محیط‌زیستی به حفظ زیست‌سپهر محلی و کل کره زمین که اصلی‌ترین نظام پشتیبان تمامی فعالیت‌های بشری است، اشاره دارد. به عبارت دیگر، امنیت محیط‌زیستی وضعیتی است که یک کشور و یا یک منطقه از طریق حکمرانی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط‌زیست، گام‌های مؤثری در مسیر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیت خود بر دارد. به گفته بوزان تهدیدات زیست‌محیطی یکی از پیچیده‌ترین نوع تهدیدات محسوب می‌شود، زیرا بسیاری از این تهدیدات مانند زلزله، سیل و طوفان‌های سهمگین خارج از کنترل انسان است. با این وجود، کشورها می‌توانند با تهدیدات و چالش‌های زیست‌محیطی که نوع بشر مسبب آن است با بسیاری از چالش‌های ناشی از آن‌ها مقابله کند و امنیت محیط‌زیست خود را ارتقا بخشد (Marianne, 2017: 5).

تهدیدات زیست‌محیطی در استان فارس بر اساس آنچه که کارشناسان و پژوهش‌ها نشان می‌دهند، چالش‌های جدی را به وجود آورده است. بر مبنای نظر مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان فارس، عدم تعادل میان مصرف آب و منابعی که در اختیار داریم در کنار بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی و سفره‌های آب زیرزمینی سبب شده است ذخایر آبی ما به سرعت رو به کاهش و تخلیه شدن برود به گونه‌ای که در استان فارس با کمبود ۷۰۰ میلیون مترمکعب ذخیره آب زیرزمینی روبرو هستیم. این روند در استان فارس سبب شده است که سفره‌های آب زیرزمینی به طور مداوم افت کند و وقایع ناگواری مثل فرونشست زمین که آخرین مرحله نابود شدن آبخوان‌ها است در بسیاری از نقاط استان حادث شود، از دیگر سو در حوضه منابع آبی سطحی نیز مشاهده می‌کنیم که از ۱۳ تالابی که در استان وجود دارد تنها یک یا دو تالاب کوچک که بهره‌برداری در اطراف آنها توسعه چندانی نداشته است، آب دارند و بقیه تالاب‌ها در شرایط بسیار بدی به سر می‌برند، چنان‌چه خشکیدن این تالاب‌ها علاوه بر صدمه زدن به تنوع زیستی و محیط‌زیست سبب شده است

که این عرصه‌ها به وسعت ۳۳۰ هزار هکتار در آینده به کانونهای عظیم گرد و غبار تبدیل شده و سلامتی مردم را تهدید کنند. لاجرم، مسأله اصلی این است که پیامدهای امنیت زیست‌محیطی ناشی از بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس کدامند؟

پیشینه پژوهش

خارجی

المصری ۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رویکردی سیستمی برای درک تنش‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه در مواجهه با کمبود آب جهانی پرداخته‌اند. از سیستم دینامیک برای توسعه مدلی برای مدیریت منابع آب استفاده شده است و از طریق مسائل شبیه‌سازی به منظور برجسته کردن سیاستهای مورد نیاز، بهره‌گیری شده است. این تحلیل بخشی از تفکر و سیاست‌های موجود را تأیید می‌کند و نیاز به همکاری فرامرزی و تأکید بر حوزه‌هایی را که ممکن است به‌طور سنتی به‌عنوان اولویت‌های کلیدی تلقی نشوند، بیشتر نشان می‌دهد (مانند مدیریت تقاضا، در مقابل تداوم عرضه).

پالاشس ۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی اشتراک آب در حوضه بین‌المللی رودخانه تاگوس: یک رویکرد ژئوپلیتیکی برای توضیح مسائل حاکمیت آب در اسپانیا پرداخته است. این مقاله مروری بر سیاست‌های مختلف، استراتژی‌های سیاسی و درگیری‌های فضایی در مورد مسائل آب در قرن بیست‌ویکم اسپانیا، با مثالی گویا در مورد مدیریت رودخانه تاگوس ارائه می‌دهد. این حوضه رودخانه بین‌المللی، که بین اسپانیا و پرتغال مشترک است، باید مانند تمام حوضه‌های رودخانه در اتحادیه اروپا، الزامات دستورالعمل چارچوب آب را برآورده کند. قدرت اعطاء شده به مناطق اسپانیایی، الگوهای توسعه اقتصادی نامتقارن آنها، و خشکسالی‌های بدتر مرتبط با تغییرات آب و هوایی، یک درگیری آبی ایجاد کرده است.

داخلی

کاویانی‌راد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپلیتیک، بیان می‌کند که پیامدهای اجتماعی و سیاسی برخاسته از فروسایبی محیطی، گرمایش جهانی و کشمکش بر سر منابع طبیعی، محیط-زیست را کانون مطالعات امنیتی سده بیست‌ویکم قرار داده به گونه‌ای که ناامنی بوم‌شناسی و نابودی بن‌مایه‌های زیست‌کره به عنوان بخشی از تهدیدات غیرسنتی با جستار امنیت انسانی پیوند استواری یافته است. طی دو دهه اخیر، دانش ژئوپلیتیک، به فراخور درون مایه‌های جغرافیایی و سیاسی اش جایی که «ژئو» (زمین) و

1. Al-Masri

2. Palacios

«پلیتیک» (سیاست) در هم می‌آمیزند در قالب ژئوپلیتیک زیست‌محیطی به واکاوی رخدادها و مسائل برخاسته از کشمکش بر سر منابع طبیعی و کمبود منابع طبیعی پرداخته است. به گونه‌ای که برهمکنشی و درهم‌تنیدگی مفاهیم و مصادیق سیاست، قدرت و محیط‌زیست از پربسامدترین واژگان واکاوی جستار محیط-زیست از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده‌اند. از این دیدگاه، مناسبات قدرت و زیست‌کره به شدت به هم در آمیخته‌اند. چنین در هم آمیختگی در چارچوب دانش ژئوپلیتیک امکان بررسی و واکاوی می‌یابد. از آنجا که تهدیدات یادشده، کارکرد و گستره‌ای کروی یافته‌اند، رویکردهای «نظامی و ملی محور» سنتی توان تبیین عوامل تهدیدات غیرسنتی را ندارند. بر این پایه، تبیین و مدیریت امنیت، سرشتی انسان محور با کنشی مشترک و جهان گستر طلب می‌کند.

نادری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل تأثیر عوامل انسانی و محیطی بر تضاد ذی‌نفعان در حوضه آبریز زاینده‌رود، بیان می‌کنند که همزمان با افزایش بحران آب در حوضه‌های آبریز، درگیری‌های بین ذی‌نفعان آن در حال تشدید است. افزایش تضاد در حوضه‌های آبریز می‌تواند ناشی از عوامل مختلف انسانی و طبیعی، از جمله حکمرانی و مدیریت ضعیف منابع و تغییرات اقلیم باشد. نتایج نشان داد که عوامل انسانی از جمله عوامل اجتماعی - فرهنگی، افزایش تقاضا برای آب، سیاست‌های انتقال بین‌حوضه‌ای آب و عوامل حکمرانی از دیدگاه کارشناسان مرتبط بیشترین تأثیر را در مدیریت تضاد داشتند. همچنین عوامل محیطی نظیر تغییرات اقلیم از جمله کاهش بارش و منابع آب، سبب تشدید تضاد در حوضه شده‌اند. از سوی دیگر، تأثیر عوامل انسانی نظیر حکمرانی و سیاست‌های اخذ شده در بحران آب و تضاد ناشی از آن بسیار تأثیرگذارتر از عوامل طبیعی بوده است. برخی از راهبردها همچون مدیریت راهبردی، انتقال آب بین حوضه‌ای، و افزایش نظارت برای مدیریت تضاد ناشی از بحران آب در حوضه به کار گرفته شده‌اند. از سوی دیگر، تعدادی از مدیران و سیاست‌گذاران معتقدند که برخی راهکارهای اجراشده نه تنها به کاهش تضاد در حوضه کمکی نکرده‌اند، بلکه سبب افزایش تنش نیز شده‌اند.

کاظمی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تغییرات اقلیمی، بحران آب و ستیزه‌های اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه اقدام کرده است که یافته‌های آن نشان می‌دهند به واسطه دگرگونی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی (گرمایش بالاتر از متوسط جهانی، کاهش بارش، افزایش تبخیر) و مداخله‌های انسانی (افزایش تقاضای مصرفی، احداث سازه‌های آبی و برداشت بیش از اندازه از منابع)، منطقه شاهد بحران شدیدی در حوزه منابع آب می‌باشد. مقاله بر این یافته تأکید می‌کند، که بحران آب از رهگذر تشدید مسائلی چون افزایش فقر، بیکاری، نابرابری، احساس تبعیض، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، افت مشروعیت دولت و ... تأثیر مشخصی بر ستیزه‌های اجتماعی - سیاسی در خاورمیانه داشته است. نمود مشخص این مسئله در تعدادی از اصلی‌ترین

بحران‌های امنیتی منطقه یعنی جنگ داخلی در سوریه، یمن و عراق آشکار است. مقاله بر این نتیجه‌گیری تأکید می‌کند که در فقدان حکمرانی کارآمد و همچنین فقدان اراده و چارچوبی برای اقدام جمعی کشورها، بحران‌های زیست‌محیطی منطقه خاورمیانه در سال‌های آینده تشدید خواهد شد. همپای این روند می‌توان انتظار داشت که چالش‌های امنیتی برآمده از بحران‌ها نیز تشدید شود.

سعیدی و صادقی ده‌چشمه (۱۴۰۲) در پژوهشی به تحلیل سناریوهای پیامدهای امنیتی بحران آب در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند که رویکرد حاکم بر این پژوهش کاربردی - نظری و از لحاظ ماهیت توصیفی و تحلیلی - ساختاری است. گردآوری و تحلیل اطلاعات در بخش توصیفی، از طریق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و در بخش تحلیلی از روش‌های دلفی، تحلیل ساختاری و سناریونگاری بهره گرفته شده است. یافته‌های حاصل از روش تحلیل ساختاری نشان داد که پیشران‌های حکمرانی آب، طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای آب، تنش‌ها و منازعات محلی و منطقه‌ای، تبعیض‌های سیاسی، اقتدار سیاسی نظام، مهاجرت، فقر و محرومیت، سرمایه اجتماعی، بیکاری، امنیت روانی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت نهادهای محلی، مشارکت عمومی، مهم‌ترین پیشران‌های اثرگذار امنیتی بحران آب در استان چهارمحال و بختیاری بر اساس اولویت اثرگذاری محسوب می‌شوند. همچنین نتایج تحلیل سناریوهای چالش‌ها و پیشران‌های اثرگذار امنیتی بحران آب در استان نشان داد که تعداد چهار سناریوی قوی و با سازگاری درونی (یک سناریو با وضعیت‌های مطلوب و ۳ سناریو با وضعیت‌های بحرانی) پیش روی چالش‌های امنیتی بحران آب در استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد، از این‌رو ادامه روند حاکم بر مدیریت بحران آب و عدم کاربرد راهبردهایی مؤثر، نه تنها وضعیت بهتری در مدیریت بحران آب به وجود نخواهد آمد، بلکه با گسترش شکاف موجود منجر به بروز بدترین سناریو ممکن «سناریو ۱۳» با حالات بحرانی در تمام عوامل می‌گردد. مطلوب‌ترین سناریو برای مدیریت آینده‌نگر نسبت به چالش‌های امنیتی بحران آب نیز پیشنهاد و گزینش پیشران‌های سناریوی اول مبتنی بر ۱۳ وضعیت ایده‌آل به‌منظور ارتقاء شرایط حاکم بر چالش‌های امنیتی بحران آب در چارچوب حکمروایی بهینه آب است.

مبانی نظری

محیط‌زیست و امنیت

محیط‌زیست را می‌توان در یک تعریف کلی اینگونه بیان کرد: مجموعه شرایط بیرونی که در طی عمر یا زندگی یک موجود زنده، مانند انسان بر او اثر می‌گذارد. از دیدگاه جهانی، آب، خاک و هوا سه جزء عمده محیط‌زیست انسانی تلقی می‌شوند و هر گونه آلودگی آنها، آلودگی محیط‌زیست محسوب شده و باید مورد توجه قرار گیرد (طاهری و طاهری، ۱۳۹۳: ۲). دانشمندان و کارشناسان محیط‌زیست بر این نظر هستند که

محیط‌زیست به دو بخش محیط‌زیست طبیعی و محیط‌زیست انسانی تقسیم می‌شود: ۱. محیط‌زیست طبیعی به آن بخش از محیط‌زیست اطلاق می‌شود که در تشکیل آنها، انسان نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های خدادادی هستند و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها و چشم‌اندازها می‌باشند. عوامل تشکیل دهنده محیط‌زیست طبیعی در بر گیرنده (گیاهان و جانوران) و عوامل بی‌جان (خاک، آب‌وهوا) می‌شود. ۲. محیط‌زیست انسانی یا محیط‌زیست انسان ساخت، به آن بخش از محیط‌زیست اطلاق می‌شود که به دست بشر ساخته شده و زاییده تفکر او می‌باشد. از محیط‌زیست انسانی به محیط‌زیست مصنوعی نیز تعبیر شده است. چنانچه در تعریف محیط‌زیست مصنوعی گفته شده است همه چیزهایی را که انسان به وجود آورده، مانند مناطق مسکونی، صنعتی، راه‌ها (زین‌العابدین عموقین، ۱۳۹۸: ۲۴).

انسان ارتباط نزدیک و بی‌واسطه‌ای با محیط و منظر پیرامون خویش دارد. باورها و شناخت انسان از منظر اطراف براساس ادراک منظر است. از آنجاکه منظر ماهیت ویژه‌ای دارد، بسط و توسعه تاریخی مفهوم آن زمینه‌ای را برای ارزیابی کیفیت بصری فراهم خواهد کرد. در قرن شانزده میلادی کلمه منظر در زبان انگلیسی به عنوان یک واژه تکنیکی برای نقاشی مناظر زیبا به کار برده می‌شد. اما، معنی آن به تدریج تغییر یافت و این واژه به مناظری که شامل حومه‌های روستایی و تپه‌ها و چشم‌اندازهای پانورامی با دید گسترده و باغهای زینتی بزرگ بودند اطلاق شد (دانشپور و پریور، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۷). این تلاقی خواسته‌های انسانی و افزایش جمعیت از یکسو و پیشرفت علوم و فناوری برای مرتفع ساختن نیازهای انسانی از سوی دیگر، با وجود رها کردن انسانها از سختیها و مرارت‌های گذشته در دستیابی به منابع مادی، باعث از بین رفتن این منابع، آلودگی منابع و برخی مواقع باعث به خطر افتادن این منابع شده است. این همراهی با وجود منافع انسانی، باعث بوجود آمدن تخریب‌هایی در محیط‌زیست شده که در تمامی این تخریبها، انسان بصورتی مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است که باعث می‌شود امنیت خودش را با خطرات و چالش‌هایی مواجه کند.

ایده امنیت زیست‌محیطی از نظر تاریخی به درگیری‌هایی مربوط می‌شود که در نتیجه فرسایش زیست‌محیطی در یکی از این حوزه‌ها بوجود می‌آید: استفاده بیش از حد از منابع تجدیدپذیر، آلودگی و کاهش باروری زمین‌های کشاورزی. بر اساس جدیدترین مطالعات مربوط به امنیت زیست‌محیطی این مفهوم دارای ویژگی‌های زیر است:

محیط‌زیست یکی از مسائلی است که از بیشترین ماهیت فراملی برخوردار است و امنیت آن تأثیر بسزایی بر امنیت جامع و حقوق بشر دارد.

در طی ۱۰۰ سال آینده، یک سوم زمین دچار تغییر و تحول خواهد شد؛ بنابراین، کشورها با مسائل و چالش‌های بسیاری در زمینه‌ی مصرف، اکوسیستم‌ها، ترمیم، محافظت و فرسایش محیط‌زیست مواجه خواهند شد.

امنیت زیست‌محیطی از اهمیت ویژه‌ای برای امنیت جامع برخوردار است که شامل ارتباط میان انسان و منابع طبیعی می‌شود. (Zurlini & Muller, 2008). بنابراین مطالعات محیط‌زیست و امنیت به موضوعاتی از قبیل تأثیر تغییرات آب‌وهوایی و گرم شدن کره زمین بر گسترش درگیری‌ها در کشورهای مختلف می‌پردازد. «نظریه درگیری‌های زیست‌محیطی ۱» بر نقش کمبود منابع طبیعی به عنوان یک متغیر مستقل در گسترش درگیری‌های نظامی و خشونت‌آمیز متمرکز است. مطالعه درگیری‌های زیست‌محیطی شامل بررسی تهدیدها و خطرات ناشی از جنگ‌های داخلی بر سر منابع طبیعی می‌شود. استدلال اصلی آن‌ها این است که تغییرات آب و هوایی کمبود منابع طبیعی را افزایش می‌دهد و جوامعی که نتوانند با این چالش به طور مؤثر و کارآمد مقابله نمایند -کشورهایی با درآمد کم و وابسته به منابع و با نهادهای سیاسی ضعیف- با گسترش خشونت مواجه خواهند شد. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که متخصصان این حوزه به سه پیامد ناشی از تغییرات زیست‌محیطی اشاره می‌کنند.

اولین رویکردی که نسبت به امنیت زیست‌محیطی شکل گرفته، به گونه‌ای به تأثیر تغییرات زیست‌محیطی بر بروز منازعه اشاره می‌کند. آنچه که توجه حکومت‌مداران و مدیران را به خود معطوف داشته اثر ناشی از کمبود منابع طبیعی و تبدیل شدن منابع تجدیدپذیر به منابع غیر قابل تجدید بر اساس افزایش مصرف است که با رقابت کشورها همراه شده و در پی آن به صورت منازعه، امنیت حکومت‌ها را به مخاطره می‌افکند (Thomas & Dixon, 1991: 107). این گونه منازعات می‌تواند در سالهای آتی به موضوعی فراگیر در سطح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود. «هامر دیکسون» به عنوان اولین نظریه‌پرداز اولیه این ایده، معتقد است: «تأثیرات زیست‌محیطی بر امنیت ملی، به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح می‌شود». در تأثیرگذاری مستقیم؛ متعاقب بروز تحولاتی در عرصه زیست، حکومتها برای دستیابی و استمرار سلطه‌شان بر منابع طبیعی با یکدیگر وارد رقابت و چالش می‌شوند اما در روش غیر مستقیم، تغییرات پدید آمده در حوزه محیط‌زیست آثار سیاسی - اجتماعی پدید می‌آورد که آنها به نوبه خود، زمینه بروز جنگ و منازعه را فراهم می‌سازد. «هامر - دیکسون» بر این اساس سه نوع ارتباط را فرضیه‌بندی نموده است: الف) منازعات بین حکومتها که ریشه در کمبود منابع طبیعی غیر قابل تجدیدپذیر دارند. ب) منازعات بین حکومتها که ریشه در کمبود منابع طبیعی تجدیدپذیر دارند تا جایی که بعضی، از امکان تبدیل شدن آب به یک ابزار فشار در دست برخی از قدرت‌ها برای ایجاد تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سخن گفته‌اند. تعداد این منازعات از دهه ۱۹۹۰ رو به افزایش نهاده و تبدیل به یک حوزه پژوهشی - امنیتی مستقل شده است که نتیجه آن طرح راه- حل‌های تازه حقوقی برای حل و فصل این منازعات و ارائه به رژیم‌های تازه امنیتی می‌باشد. (Lipschutz and

(Holden, 1990:122 ج) منازعات غیر مستقیمی که متأثر از تغییرات زیست‌محیطی به وقوع پیوسته است. این دسته از منازعات که بسیار خطرناکتر از موارد پیشین می‌تواند باشد به دو صورت: عامل محرومیت و عامل گروه‌های هویتی بروز می‌کند همچنین حوزه تأثیرگذاری این تحولات ضرورتاً در قلمرو داخلی محدود نمی‌شود و به سیاست بین‌المللی نیز سرایت می‌کند. در مجموع مفهوم امنیت زیست‌محیطی بیانگر مسائل امنیتی بیش از رقابت و نزاع و درگیری بر سر دست یافتن به منابع طبیعی است. به عبارت دیگر در این مفهوم نیز موضوع محوری همچنان حکومت است و لذا بحث از محیط‌زیست با سرنوشت حکومت پیوند می‌خورد. رهیافت زیست‌محیطی به باز تعریف امنیت در پرتو رابطه انسان با محیط‌زیست می‌پردازد که به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند در مقادورات امنیتی او دخالت داشته باشد.

بحران آب

هرجا که امنیت آب به دست نیامده تغییر آب‌وهوا دستاوردها و موجودیت‌های آن را با چالش جدی روبه‌رو کرده است. در قرن ۲۱، امنیت آبی، چالش جهانی خواهد بود. در سال ۲۰۱۳ سازمان ملل، امنیت آبی را اینگونه تعریف کرد: امنیت آبی به عنوان ظرفیت جمعیت برای حفاظت از دسترسی پایدار به مقادیر کافی آب با کیفیت قابل قبول برای حفظ معیشت، رفاه انسان و توسعه اجتماعی و اقتصادی، برای حصول اطمینان از محافظت در برابر آلودگیهای ناشی از آب و بلایای مربوط به آب و برای حفظ اکوسیستم در وضعیت صلح و ثبات سیاسی تعریف شده است (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۷: ۲۷). یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت زیست‌محیطی اثرگذار بر امنیت ملی کشورها، موضوع آب است. مفهوم امنیت آب گواه بر پیدایش شرایط و به تبع پیدایش شرایط جدیدی است که امروزه امنیت و ثبات را در رأس توجه مراکز و کانونهای علمی و مطالعات امنیتی قرار داده است. اما امنیت آب به عنوان عملکردی از وابستگی متقابل بخشهای امنیتی است که در داخل شبکه‌ای از نیروهای اجتماعی- اقتصادی و سیاسی در مقیاس مختلف فضایی پخش شده است. امروزه مفهوم امنیت آب از مقیاس خانگی تا جهانی دارای اهمیت شده است (نصرتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۴-۲۵).

با کمبود آب، مهاجرت به نواحی پیرامونی شهرهای بزرگ علاوه بر نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی، شرایط مساعدی برای تشدید محرومیت‌ها به وجود می‌آورد که گرایش‌ها به سمت فعالیت‌های غیرقانونی فرامرزی و منطقه‌ای مانند قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان سهم بسزایی در تداوم بی‌ثباتی و هرج و مرج خواهد داشت. این معضلات اگرچه به نظر اقدام اساسی لازم را برای تزلزل ساختارهای ملی ایجاد نمی‌کند اما به‌طور مستقیم بقای جوامع انسانی را با چالش‌های متعددی مواجه می‌سازند که تبعات منفی آن بر سرمایه‌های اقتصادی- اجتماعی غیرقابل‌انکار خواهد بود. خسارت ناشی از کمبود آب بیشتر از خسارت ناشی از سایر مخاطرات محیطی مانند: سیل، زمین لرزه، طوفان و غیره می‌باشد و اثرات ناشی از بحران آب در

بخشهای مختلف کشاورزی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، روابط بین‌المللی و همچنین زیست‌محیطی به صورت تدریجی ظاهر می‌شود و اثرات منفی از خود بجای می‌گذارد به همین دلیل کمبود آب تبدیل به یک چالش و یا بحران شده است. در صورتی که تمهیدات لازم برای مقابله و کاهش اثرات نامطلوب بحران آب اندیشیده نشود این بحران تبدیل به جنگ و تنش مابین کشورها می‌شود که اثرات جبران ناپذیری را در برخواهد داشت. آنچه ضروری می‌نماید ایجاد اقدام جهانی برای تضمین امنیت دسترسی به آب سالم برای همه جهانیان است. همچنین محسوب نمودن برخورداری همگان از آب به عنوان یکی از عوامل اساسی حقوق بشر، تدوین سیاستهای ملی و منطقه‌ای و افزایش کمک بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در کنار برنامه اقدام جهانی برای حل معضل بحران آب بسیار مؤثر است. اهمیت و تأثیر آب در حیات اقتصادی و اجتماعی ملت‌ها موضوع تازه و جدیدی نیست آب از ابتدا و از آغاز حیات در کره زمین در شکل‌گیری تمدنها، روش زندگی بشر و تکنولوژی نقش بسیار مهمی داشته است. محدودیت منابع آب اولین مانع گسترش و توسعه تولیدات کشاورزی در دهه آینده خواهد بود الگوی نادرست مصرف در کشورهای صنعتی و پیشرفته باعث تشدید بحران آب و کاهش مواد غذایی در نقاط دیگر جهان می‌گردد هم اکنون هم کمبود مواد غذایی در کشورهایی که با نرخ رشد جمعیت بالا روبرو هستند کاملاً محسوس است از طرفی بروز خشکسالی‌ها معضلات اجتماعی، تورم و کساد اقتصادی نیز وضعیت این کشورها را آسیب‌پذیرتر می‌نماید. وضعیت این کشورها به گونه‌ای است که با میلیون‌ها آواره در واقع آوارهای زیست‌محیطی، روبرو هستند که به ناچار سرزمین‌های خود را ترک می‌کنند. بالقوه موازنه زیست‌محیطی را در کشور میزبان به مخاطره می‌اندازند (شریعتمداری و انصاری مقدم، ۱۳۹۴).

نکته قابل توجه این است که بحران زیست‌محیطی تنها در چارچوب مناسبات دولت‌ها و بین‌کشورها محدود نمی‌شود و در سطح داخلی کشورها بین گروه‌های قومی، ایالت‌ها و بعضاً در سطح تقسیمات کشوری برای به دست گرفتن منابع کمیاب مانند آب، کشمکش و ستیز وجود دارد. از این‌رو، اهمیت منابع و سرمایه‌های طبیعی و انسانی و ضرورت حفظ تعادل‌های اکولوژیک، توسعه پایدار و ارتباط آن با مسائل امنیتی و سیاسی، رقابت و ستیز بازیگران سیاسی به‌ویژه دولت‌ها را به همراه داشته است. بر همین مبناست که بحران‌های زیست‌محیطی موضوعی ژئوپلیتیکی و در حیطه مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرند. در این میان کمبود آب، یعنی مهم‌ترین عنصر و منبع زیستی طبیعت، عامل تهدیدکننده محیط‌زیستی و زمینه بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی است؛ زیرا این منبع زیستی سرچشمه همه فعالیت‌های انسان است و کمبود آن بر همه جنبه‌های زندگی انسان تأثیر مستقیم دارد (Toset & et al, 2000 : 968).

کم‌آبی، اثرات منفی زیادی بر روی محیط‌زیست، از جمله عوارض جانبی و مضر بر روی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، حوضچه‌ها و تالاب‌ها و منابع آب شیرین دیگر دارد. پیامد مصرف بیش از حد آب که با کم‌آبی مرتبط است و اغلب در مناطق با کشاورزی آبی ایجاد می‌شود، از چند طریق، از جمله افزایش شوری، مواد مغذی و از بین رفتن دشت‌های سیلابی و تالاب‌ها، به محیط‌زیست آسیب می‌زند. علاوه بر این، کم‌آبی باعث می‌شود که مدیریت جریان، در رودهای شهری مشکل ساز شود. طی صد سال گذشته، بیش از نیمی از تالاب‌های زمین نابود و ناپدید شده‌اند. این تالاب‌ها مهم هستند نه فقط به این علت که زیستگاه‌های بسیاری از موجودات مانند پستانداران، پرندگان، ماهی‌ها، دوزیستان و بی‌مهرگان را تشکیل می‌دهند، بلکه به این علت که آنها از رشد برنج و سایر محصولات غذایی نیز پشتیبانی کرده و فیلتراسیون آب و محافظت در برابر طوفان‌ها و سیل‌ها را انجام می‌دهند. دریاچه‌های آب شیرین مثل دریای آرال در آسیای مرکزی نیز از این مسائل رنج می‌برند. پیامد دیگر کم‌آبی، فرونشست یا فرورفتن تدریجی اراضی است. سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده برآورد می‌کند که فرونشست زمین، بیش از ۱۷۰۰۰ مایل مربع در ۴۵ ایالت را تحت تأثیر قرار داده‌است که ۸۰ درصد آن به علت استفاده از آب‌های زیرزمینی رخ داده‌اند. در بعضی مناطق شرق هوستون، تگزاس به علت فرونشست، زمین بیش از ۹ فوت پایین رفته‌است (Lawrence & et al, 2014 : 59).

یکی از اثرات بسیار ناگوار بحران آب، تأثیر آن بر حیات گیاهی است. یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در تنوع گونه‌ها در جهان آب است. بارش باران و اتصال ناکافی آب به خاک می‌تواند منجر به کمبود آب در محصولات کشاورزی شود. تنش آبی به طور کل در قسمت ذخیره آب در ریشه گیاهان اتفاق می‌افتد. عمده دلایل تنش آبی در گیاهان شرایط خشکی و همچنین شوری خاک می‌باشد. تنش آبی می‌تواند با اختلال در رشد گیاهان منجر به اختلال در میزان تولید مواد غذایی و کاهش میزان محصولات شود. البته تنها مضرات کمبود آب، کاهش میزان تولیدات محصولات نیست. تنش آبی ۱ در گیاهان می‌تواند تغییرات زیادی را در آنها به وجود بیاورد. این تغییرات بر اساس میزان، شدت و همچنین مدت زمان تنش آبی متفاوت است. به طور مثال این نوع تنش می‌تواند از نظر متابولیسم بر روی گیاهان تأثیرگذار باشد و با افزایش تغییرات متابولیسمی سبب کاهش در رشد و همچنین فتوسنتز گیاهان شوند. به طور مثال در گیاهان C3 یا به اصطلاح ۳ کربنه کاهش میزان آب سبب کاهش ۲۵ درصدی هدایت در روزنه‌ها می‌شود به عبارت دیگر با چنین اتفاقی عملاً جذب دی اکسید کربن تا حد زیادی در گیاهان کاهش پیدا می‌کند. همچنین در گیاهان C4 یا همان ۴ کربنه نیز تنش آبی می‌تواند سبب کاهش میزان آب برگ، کاهش جذب دی‌اکسید کربن و هدایت روزنه‌ای شود. یکی از ابعاد امنیت مربوط به مباحث زیست محیطی است. محیط‌زیست دارای شاخه‌ها و ابعاد

1. Water Stress

گوناگونی است. شامل: خاک، جنگل، هوا و غیره. از جمله این ابعاد که به عنوان مشکل نوین بشریت و زمینه‌ساز جنگهای آینده از آن نام برده می‌شود، "منابع آب" است.

آب و منابع آبی را می‌توان مهمترین عامل در شکل‌گیری جوامع بشری و بقای آنها دانست. بحران آب محصول علل متنوعی است و این تنوع، نتیجه گستردگی و پیچیدگی مجموعه زیرساختها، نهادها، سازمانها، کنشگران و کنشهایی است که حول مقوله آب شکل گرفته‌اند. هر کدام از این اجزا دارای کاستی‌هایی هستند که مجموعاً بحران آب را شکل می‌دهند. اثرات ناشی از بحران آب در بخشهای مختلف کشاورزی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، روابط بین‌المللی و همچنین زیست‌محیطی به صورت تدریجی ظاهر می‌شود و اثرات منفی از خود بجای می‌گذارد به همین دلیل کمبود آب تبدیل به یک چالش و یا بحران شده است. در صورتی که تمهیدات لازم برای مقابله و کاهش اثرات نامطلوب بحران آب اندیشیده نشود این بحران تبدیل به جنگ و تنش مابین کشورها می‌شود که اثرات جبران‌ناپذیری را در برخواهد داشت. آنچه ضروری می‌نماید ایجاد اقدام جهانی برای تضمین امنیت دسترسی به آب سالم برای همه جهانیان است. با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب‌ناپذیر چالشهای زیست‌محیطی و اولویت پیشگیری در مسائل امنیتی، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و تأثیراتی که این چالشها بر امنیت ملی کشورها دارد، به منظور جلوگیری از تبدیل شدن آنها به بحران، ضروری می‌نماید. در امنیت آب، پایان دادن مسئولیت پراکنده آب و یکپارچه‌سازی مدیریت منابع آب در تمامی بخشها از جمله امور مالی، برنامه‌ریزی، کشاورزی، انرژی، گردشگری، صنعت، آموزش و سلامت، مورد توجه قرار می‌گیرد. جهان دارای امنیت آب، باعث کاهش فقر، ارتقاء آموزش و بالابردن استانداردهای سطح زندگی، می‌شود. جهان دارای امنیت آب، جهانی است که در آن کیفیت زندگی برای همه بهبود یافته است (رزاقی، ۱۳۹۹).

روش پژوهش

این مقاله به لحاظ هدف کاربردی-توسعه‌ای و به لحاظ نوع روش کمی و با ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس چه مواردی می‌باشند؟ جامعه آماری تحقیق حاضر، ۱۳۸ نفر از افراد کارشناس و نخبه در زمینه جغرافیای سیاسی و مدیریت منابع آب در سطح استان فارس بوده و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۰۲ نفر به صورت در دسترس در نظر گرفته شدند. پرسشنامه این تحقیق دارای ۴۴ سوال ۵ گزینه‌ای در بخشهای محیط طبیعی با ۱۹ سوال، محیط‌زیست جانوری-گیاهی با ۱۲ سوال، محیط‌زیست انسانی با ۹ سوال و اقلیم با ۴ سوال می‌باشد. که روایی آن به شیوه صوری-محتوایی و سازه‌ای

و پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۶ مورد تأیید واقع شده است. داده‌های گردآوری شده بر اساس آزمون تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

حوضه‌های آبریز مورد بررسی در این مقاله یعنی هنديجان، جراحی و حله، در غرب این استان به عنوان حوضه‌های مشترک در محدوده استانهای فارس، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد هستند. حوضه آبریز رودخانه جراحی - هنديجان دارای مساحتی حدود ۴۰۸۰۵ کیلومتر مربع، طول متوسط ۳۶۵ کیلومتر و عرض متوسط ۱۳۷ کیلومتر است. رودخانه جراحی با طول حدود ۴۳۸ کیلومتر در بخش زاگرس مرتفع (۸۰ کیلومتری باختر یاسوج) از ارتفاع ۲۲۰۰ متر از سطح دریا شروع می‌شود، به سوی جنوب تا تالاب شادگان ادامه دارد و شاخه هنديجان از کوه‌های جنوب یاسوج (سپیدار) و اردکان فارس شروع می‌شود و با نام هنديجان به خلیج فارس می‌ریزد. بیشترین ارتفاع ناحیه حدود ۳۴۰۰ متر مربوط به تاقدیس نیر و کمترین ارتفاع مربوط به مدخل رودخانه‌های جراحی و هنديجان به دریای خلیج فارس بوده که کمتر از یک متر است. سنگ‌شناسی ناحیه، شامل مجموعه‌ای از سنگ‌های رسوبی مزوزویک در بخش شمالی ناحیه یعنی زاگرس مرتفع و سنوزویک در بخش میانی و جنوبی منطقه مورد مطالعه است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۱). حوزه‌های آبریز درجه دو استان به تفکیک حوزه‌های فلات مرکزی و خلیج فارس و دریای عمان مشتمل بر موارد ذیل می‌باشد (شکل ۱):

۱- حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان شامل:

رودخانه مند و کفه‌های بسته، رودخانه حله، رودخانه‌های کل و مهران و ساحلی، رودخانه‌های زهره و جراحی، مند.

۲- حوضه آبریز فلات مرکزی شامل:

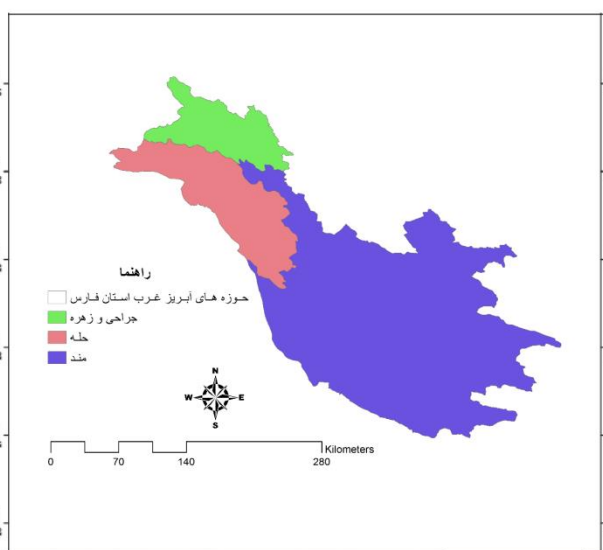
دریاچه‌های طشک - بختگان و مهارلو، کویر ابرقو - سیرجان، گاوخونی.

بر این اساس حوزه‌های آبریز غربی استان فارس شامل حوزه‌های آبریز جراحی و زهره، آبریز حله، مند، رودخانه‌های کل و مهران و ساحلی می‌باشد (شکل ۲).



شکل ۱- حوزه‌های آبریز درجه دو استان فارس به تفکیک

ترسیم : (نگارنده‌گان، ۱۴۰۲).



شکل ۲- حوزه‌های آبریز غربی استان فارس

ترسیم : (نگارنده‌گان، ۱۴۰۲).

استان فارس به عنوان استانی که کشاورزی و دامداری نقش مهمی در اشتغال مردم این استان دارد به رودخانه‌ها و حوزه‌های آبریز وابستگی زیادی دارد. براساس آمار، در حوضه آبریز زهره-جراحی ۸ هزار و ۵۵۹ حلقه چاه حفر شده که از این تعداد ۷ هزار و ۶۷۵ حلقه چاه فعال بوده و ۸۸۴ حلقه

غیرفعال است. از لحاظ وضعیت پرونده‌ای از ۸ هزار و ۵۵۹ حلقه چاه حفرشده، ۵ هزار و ۱۵۲ حلقه مجاز و ۳ هزار و ۴۰۷ حلقه غیرمجاز بوده و فاقد پروانه بهره‌برداری هستند. در تعداد حفر و میزان تخلیه چاه‌های نیمه‌عمیق، در طول دوره آماری ۱۵ ساله (۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶)، روند افزایشی قابل توجهی مشاهده می‌شود، به طوری که تعداد چاه‌های نیمه‌عمیق در سال ۱۳۸۱ نزدیک به ۲ هزار و ۹۷۱ حلقه و تخلیه از آنها بیش از ۲۳۶ میلیون متر مکعب بوده و در سال ۱۳۹۶ تعداد آنها به ۵ هزار و ۶۶۹ حلقه و میزان تخلیه به بیش از ۳۵۸ میلیون متر مکعب رسیده است. بیشترین و کمترین تعداد چاه‌های نیمه‌عمیق با ۸۵۱ و ۲ حلقه تا سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به ترتیب در محدوده‌های مطالعاتی نورآباد ممسنی (واقع در استان فارس) و شاه‌بهرام (واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد) حفر شده‌اند و میانگین پانزده ساله میزان بهره‌برداری مربوط به هر کدام به ترتیب ۳۵/۷ و ۰/۵ میلیون متر مکعب است. چاه‌های عمیق حفر شده در حوضه آبریز زهره-جراحی در سال ۱۳۸۱ نزدیک به هزار و ۴۹۴ حلقه و تخلیه از آنها بیش از ۳۰۳ میلیون متر مکعب بوده و این در حالی است که در سال ۱۳۹۶ تعداد آنها به دو هزار و ۶ حلقه و میزان تخلیه به کمتر از ۲۶۲ میلیون متر مکعب رسیده است. بیشترین تعداد حفر و میزان تخلیه چاه‌های عمیق حوضه آبریز مذکور مربوط به محدوده مطالعاتی نورآباد ممسنی به ترتیب با ۳۱۲ حلقه در سال آبی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ و ۲۸/۵ میلیون متر مکعب (میانگین پانزده ساله) و کمترین تعداد حفر و میزان تخلیه مربوط به محدوده شاه‌بهرام به ترتیب با یک حلقه در سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ و ۰/۷ میلیون متر مکعب (میانگین پانزده ساله) است. بنابراین مصرف عمده منابع آبی در این منطقه با بیش از ۸۶ درصد، متعلق به بخش کشاورزی بوده که در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است. مابقی با ۱۱ و ۳ درصد به ترتیب متعلق به بخش شرب و صنعت است. میزان استفاده از آب‌های زیرزمینی برای مصارف مختلف براساس اعلام شرکت مدیریت منابع آب ایران در سال آبی ۹۶ - ۱۳۹۵ به ۷۲۱/۹ میلیون متر مکعب رسیده است. حوضه آبریز زهره-جراحی به عنوان یکی از حوضه‌های آبریز ایران که دارای وسعت زیاد در مناطق پرجمعیت و با شرایط بحرانی از نظر ایجاد کانونهای گردوغبار است و همچنین با توجه به میزان بالای اراضی مساعد قابل کشت، لزوم کنترل و رعایت استفاده صحیح و بهینه از منابع آب زیرزمینی را در این منطقه روشن می‌سازد (زندى-فر، ۱۳۹۸: ۱۰).

تخلیه بیش از حد مجاز آبخوانها، بر کاهش جریان پایه رودخانه، خشکشدن تالابها، تخریب اکوسیستم و کیفیت آب، فرونشست و ترک خوردن زمین تأثیر می‌گذارد. همچنین می‌توان گفت در

بسیاری از مناطق ایران از جمله دشتهایی که توسط رودخانه‌ها، بستر خود را زنده نگه می‌دارند، بیابان‌زایی با حفر چاه و بهره‌برداری غیرمنطقی همراه با توسعه کشاورزی به وجود آمده است به طوری که گردوغبارهای اطراف برخی مناطق روستایی نیز به علت حفر چاهها و برداشت بی‌رویه از آنها است. تعداد چشمه‌های واقع در حوضه آبریز زهره- جراحی در طول دوره آماری ۱۵ ساله ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ روند کاهشی داشته و روند خشکشدگی و کاهش آبدهی آنها با افزایش تخلیه از چاهها منطبق است (همان: ۱۱).

یافته‌های تحقیق

شاخصها و متغیرهای پژوهش در زمینه پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب به ۴ دسته تقسیم شده‌اند که در جدول (۱) ارائه شده است. باید بیان داشت که برای بررسی میانگین و انحراف معیار هر شاخص، کلیه گویه‌ها باهم ترکیب شده است و میانگین کلی مدنظر قرار گرفته است.

جدول (۱) آمارهای توصیفی شاخصهای پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب

استان فارس

زیرشاخص‌ها	آماره	میانگین	انحراف معیار
محیط طبیعی	۳/۷۵	۰/۵۲۹۸	
محیط زیست جانوری-گیاهی	۳/۷۸	۰/۵۰۳۷	
محیط زیست انسانی	۳/۷۲	۰/۵۵۲۲	
اقلیم	۳/۸۴	۰/۴۱۴۳	

جدول مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که وضعیت هر ۴ شاخص در سطح متوسط به بالا قرار دارد و این نشانگر وضعیت بحرانی حوضه‌های آبریز غرب استان فارس در زمینه پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بوده و از بین آنها شاخص اقلیم نسبت به ۳ شاخص دیگر در وضعیت حادثتری قرار دارد. شاخصهای محیط‌زیست جانوری-گیاهی، محیط طبیعی و محیط‌زیست انسانی در رتبه‌های بعدی به لحاظ وضعیت بحرانی قرار دارند. در ادامه برای شناسایی پیامدهای امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. ابتدا به بررسی آزمون کرویت پرداخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲) آزمون کرویت بارتلت و کفایت کیسر و میر

	آزمون کسر و میر	۰/۸۲۹
آزمون بارتلت	آزمون خی دو	۲۷۳۷/۰۹
	درجه آزادی	۱۰۱
	معناداری	۰.۰۰۰

آزمون کرویت Bartlett معنادار است و اندازه کفایت نمونه‌گیری Kaiser-Meyer-Olkin بیشتر از ۰/۶ و معنادار است. بنابراین ماتریس برای عامل یابی مناسب است. در ادامه برای بررسی بارهای عاملی سؤالات و نیز روایی سازه‌ای از تحلیل عاملی استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳) بارهای عاملی سؤالات پژوهش

بار عاملی	گویه‌ها
429	از بین رفتن زیبایی‌های طبیعی محیط (تالابها و چشمه‌ها و ...)
515	آلودگی منابع آب
529	از بین رفتن و خشک شدن چاه‌ها و قنوت
580	شور شدن آب
335	افزایش سیل
441	کاهش اثر پلانیدگی منابع آبی
313	افزایش استفاده از پساب‌ها
573	قطع شدن آب شهری و تبعات بهداشتی آن
613	کاهش کیفیت آب آشامیدنی
361	بهره‌برداری بی‌رویه از منابع تالاب‌ها
311	تغییر کاربری اراضی و باغها
301	آلودگی منابع خاک
568	نشست زمین
508	شور شدن خاک
568	افت راندمان محصولات کشاورزی
405	از بین رفتن خاک مرغوب کشاورزی
416	افزایش تعداد روزهای ناسالم
506	افزایش پدیده گردوغبار
414	افزایش آلودگی هوا
604	از بین رفتن گونه‌های گیاهی
449	از بین رفتن مراتع بر اثر بی‌آبی و چرای مفرط
390	افزایش آفات گیاهی

392.	تغییر نظام کشت
578.	کاهش مساحت جنگل‌ها
450.	کاهش فضای سبز شهری
411.	افزایش آتش سوزی در مراتع و جنگل‌ها و ...
586.	از بین رفتن گونه‌های جانوری
619.	کاهش پرورش آبزیان در حوضه آبخیز
630.	افزایش تلفات دام
514.	افزایش کشتار دام و تغییرات شدید قیمت گوشت
567.	تغییر مسیر مهاجرت‌های حیات وحش
588.	از بین رفتن روستاها
470.	از بین رفتن زیرساختها و مساکن
498.	جابجایی عشایر و دامداران به مناطق بکرتر
537.	افزایش بیماری
406.	مهاجرت‌های گسترده و تبعات محیطی آن
500.	گرایش معیشتی به فعالیت‌های حاشیه‌ای و غیررسمی و تبعات زیستی آن
364.	نزاع و درگیری بر سر منابع آبی
318.	افزایش بهره‌برداری از مناطق، بیشتر از ظرفیت آنها
558.	کاهش مناطق دارای قابلیت گردشگری
631.	تغییر اقلیم ناحیه‌ای
654.	افزایش نواحی بیابانی
501.	افزایش دما
509.	افزایش وزش بادهای تند و گرم

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که همه گویه‌ها، دارای بار عاملی بالای ۰/۳ بوده و هیچ کدام در فرایند تجزیه و تحلیل حذف نخواهند شد. در گام بعدی، داده‌ها را استاندارد نموده، سپس با استفاده از روش همبستگی و نوع چرخش واریمکس تحلیل مربوطه انجام گرفته است. تحلیل انجام شده نشان داد که ۴ عامل حدود ۴۸/۵۵ درصد پراش تجمعی را تبیین کرده است. الگوی تحلیل عاملی به صورت زیر است:

$$X_1 - \mu_1 = l_{11}f_1 + l_{12}f_2 + \dots + l_{1m}f_m + \varepsilon_1$$

$$X_2 - \mu_2 = l_{21}f_1 + l_{22}f_2 + \dots + l_{2m}f_m + \varepsilon_2$$

$$X_p - \mu_p = l_{p1}f_1 + l_{p2}f_2 + \dots + l_{pm}f_m + \varepsilon$$

بردار تصادفی قابل مشاهده X با p مؤلفه دارای میانگین μ و ماتریس کوواریانس Σ است. در الگوی عاملی فرض می‌شود که X وابسته خطی چند متغیر تصادفی غیرقابل مشاهده F_1, F_2, \dots, F_m است که به آن‌ها

عوامل مشترک گویند و p منبع دیگر از متغیرهای ε_1 ، ε_2 ، ε_3 ، ...، ε_p هستند که خطا یا عوامل خاص (Specific Factor) نامیده می‌شوند. در جدول ۴ مقادیر بار عاملی و پراش تبیین شده توسط عوامل چهارگانه بدون چرخش و با چرخش نشان داده شده است.

جدول ۴) مجموع پراش و بار عاملی تبیین شده توسط عامل‌ها

مؤلفه‌ها	بار عاملی	پراش	پراش تجمعی	بار عاملی با چرخش	پراش با چرخش	پراش تجمعی با چرخش
عامل اول	۱۴.۲۱۱	۳۲.۲۹۹	۳۲.۲۹۹	۶.۹۷۷	۱۵.۸۵۷	۱۵.۸۵۷
عامل دوم	۳.۰۸۰	۶.۹۹۹	۳۹.۲۹۸	۵.۴۷۲	۱۲.۴۳۶	۲۸.۲۹۲
عامل سوم	۲.۲۰۰	۵.۰۰۱	۴۴.۲۹۹	۵.۰۶۲	۱۱.۵۰۶	۳۹.۷۹۸
عامل چهارم	۱.۸۷۱	۴.۲۵۲	۴۸.۵۵۰	۳.۸۵۱	۸.۷۵۲	۴۸.۵۵۰

جدول شماره ۴) بار عاملی هر یک از نماگرهای پرسشی را در شکل‌گیری عوامل را نشان می‌دهد. طبق این جدول چهار عامل یادشده با توجه به بار عاملی مشخص شدند: عامل اول به تنهایی ۱۵/۸۵ درصد از پراش تجمعی را به خود اختصاص داده است؛ عامل دوم به تنهایی خود ۱۲/۴۳ درصد از پراش تجمعی را به خود اختصاص داده است؛ عامل سوم ۱۱/۵۰ درصد از پراش تجمعی را به خود اختصاص داده است؛ عامل چهارم نیز ۸/۷۵ درصد از پراش تجمعی را به خود اختصاص داده است. در ادامه برای شناسایی عامل‌های مهم امنیت زیست‌محیطی بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس از بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها در هر یک از عاملها با چرخش کواریماکس مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۵).

جدول ۵) بار عاملی روی عناصر پرسشی با چرخش کواریماکس

گویه‌ها	عوامل			
	1	2	3	4
از بین رفتن زیبایی‌های طبیعی محیط (تالابها و چشمه‌ها و ...)	.120	.577	.260	.117
آلودگی منابع آب	.086	.668	.238	.070
از بین رفتن و خشک شدن چاه‌ها و قنات	.066	.635	.343	.065
شور شدن آب	-.010	.684	.327	-.071
افزایش سیل	.117	.561	.078	-.014
کاهش اثر پالایندگی منابع آبی	.165	.633	.058	.094
افزایش استفاده از پساب‌ها	.428	.313	.072	.165
قطع شدن آب شهری و تبعات بهداشتی آن	.312	.572	-.212	.322
کاهش کیفیت آب آشامیدنی	.272	.571	-.188	.422
بهره‌برداری بی‌رویه از منابع تالاب‌ها	.220	.349	.027	.436

تغییر کاربری اراضی و باغها	.238	.248	.403	.175
آلودگی منابع خاک	.301	.313	.138	.211
نشست زمین	.000	.437	.303	.534
شور شدن خاک	.185	.637	.236	.109
افت راندمان محصولات کشاورزی	.580	.391	.227	.165
از بین رفتن خاک مرغوب کشاورزی	.497	.377	.127	.000
افزایش تعداد روزهای ناسالم	.220	.413	.433	.095
افزایش پدیده گردوغبار	.313	.467	.435	-.024
افزایش آلودگی هوا	.134	.346	.500	.163
از بین رفتن گونه‌های گیاهی	.711	.100	.297	.025
از بین رفتن مراتع بر اثر بی‌آبی و چرای مفرط	.555	.083	.320	.180
افزایش آفات گیاهی	.596	.176	.008	.055
تغییر نظام کشت	-.068	.109	.415	.451
کاهش مساحت جنگلها	.600	.250	.390	.058
کاهش فضای سبز شهری	.414	-.024	.080	.522
افزایش آتش سوزی در مراتع و جنگلها و610	.121	.154	.004
از بین رفتن گونه‌های جانوری	.620	.010	.152	.423
کاهش پرورش آبزیان در حوضه آبخیز	.668	.056	.035	.411
افزایش تلفات دام	.553	.210	.141	.510
افزایش کشتار دام و تغییرات شدید قیمت گوشت	.494	-.155	.198	.454
تغییر مسیر مهاجرتهای حیات وحش	.723	.124	.097	.136
از بین رفتن روستاها	.272	.277	.233	.619
از بین رفتن زیرساختها و مساکن	.070	-.049	.225	.642
جابجایی عشایر و دامداران به مناطق بکرتر	.585	.218	.222	.243
افزایش بیماری	.509	.134	.368	.353
مهاجرتهای گسترده و تبعات محیطی آن	.290	.200	.334	.413
گرایش معیشتی به فعالیتهای حاشیه‌ای و غیررسمی و تبعات زیستی آن	.275	.145	.561	.298
نزاع و درگیری بر سر منابع آبی	.298	.125	.509	.005
افزایش بهره‌برداری از مناطق، بیشتر از ظرفیت آنها	.366	.158	.361	.169
کاهش مناطق دارای قابلیت گردشگری	.544	.206	.468	-.019
تغییر اقلیم ناحیه‌ای	.391	.284	.601	.190
افزایش نواحی بیابانی	.132	.179	.667	.399
افزایش دما	.257	.039	.656	.052
افزایش وزش بادهای تند و گرم	.023	.215	.629	.258

در عامل اول گویه‌های (تغییر مسیر مهاجرت‌های حیات وحش، از بین رفتن گونه‌های گیاهی، کاهش پرورش آبزیان در حوضه آبخیز، از بین رفتن گونه‌های جانوری، افزایش آتش سوزی در مراتع و جنگل‌ها و، کاهش مساحت جنگل‌ها و افزایش آفات گیاهی) به ترتیب دارای بیشترین میزان بارعاملی می‌باشند که همگی متعلق به متغیر محیط‌زیست جانوری-گیاهی بوده و بر این اساس می‌توان عامل اول را بحران محیط‌زیست جانوری-گیاهی نامید. در عامل دوم گویه‌های (شور شدن آب، آلودگی منابع آب، شور شدن خاک، بین رفتن و خشک شدن چاه‌ها و قنات، کاهش اثر پالایندگی منابع آبی، از بین رفتن زیبایی‌های طبیعی محیط (تالابها و چشمه‌ها و ...))، قطع شدن آب شهری و تبعات بهداشتی آن و کاهش کیفیت آب آشامیدنی) به ترتیب دارای بیشترین میزان بار عاملی می‌باشند و همگی متعلق به متغیر محیط طبیعی می‌باشند و بر این اساس می‌توان عامل دوم را بحران محیط طبیعی نامید. در عامل سوم گویه‌های (افزایش نواحی بیابانی، افزایش دما، افزایش وزش بادهای تند و گرم و تغییر اقلیم ناحیه‌ای) به ترتیب دارای بیشترین میزان بار عاملی می‌باشند که همگی متعلق به اقلیم بوده و بر این اساس می‌توان بحران اقلیم را سومین فاکتور مهم نامید. در عامل چهارم گویه‌های (از بین رفتن زیرساختها و مسکن و از بین رفتن روستاها) به ترتیب دارای بیشترین میزان بار عاملی می‌باشند که همگی متعلق به بحران محیط‌زیست انسانی بوده و بر این اساس چهارمین عامل بحران محیط‌زیست انسانی نامگذاری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

محیط‌زیست عرصه زندگی انسان و موجودات همواره در معرض خطراتی است که از سوی انسان به آن وارد می‌گردد. توجه انسان به محیط طبیعی زندگی خودش به عنوان مسأله و موضوعی است که باید گفت مهمترین نقش در زندگی انسان را دارد. در واقع با گذشت زمان و در امتداد تاریخ، لزوم توجه به توسعه پایدار و مسائل زیست محیطی و همه‌جانبه، جانشین مباحث توسعه منطقه‌ای شده است؛ اما در این میان عوامل بسیاری سبب تهدید توسعه زیست محیطی می‌شود. یکی از این عوامل بحران آب است که بخشی از مشکلات هر منطقه در شرایط کنونی محسوب شده است و هر از چند گاه مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه تخریب آنها را فراهم آورده و در پی آن موجب ایجاد و گسترش ناپایداری‌های اجتماعی اقتصادی برای مناطق گشته و می‌تواند در وضعیت اقتصادی اجتماعی و اکولوژیکی جوامع نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. بدین منظور نمونه‌ای از اثرات ناپایداری در محیط‌های اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی تغییر در الگوی کشت، پایین آمدن حاصلخیزی زمینهای کشاورزی، تغییر کاربری اراضی، افزایش مهاجرت از این مناطق به سایر مکانها و عدم ثبات شغلی کشاورزان بومی می‌باشد. آب همواره نقش مهم و مؤثری در حوزه امنیتی-سیاسی، غذایی و

معیشت و محیط‌زیست ساکنین ایفاء کرده است؛ به گونه‌ای که به خصوص نزدیک به دو میلیارد نفر مردم ساکن در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان، یعنی جمعیتی در حدود ۴۱ درصد از سطح زمین را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. از آن جا که رفتار و راهبردهای مقابله با بحران آب در هنگام مواجهه از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر و برای هر منطقه متفاوت است، لذا برای مدیریت بهتر پدیده بحران آب و کاهش آسیب‌پذیری مناطق، به افزایش دانش و اطلاعات در این زمینه نیاز است.

بحران آب در کشور و همچنین در استان فارس و حوضه‌های آبریز غربی آن و از جمله شهرستان نورآباد و ممسنی، خسارت‌های زیادی را در پی داشته که در پایان به مهاجرت بسیاری از روستاها، نابودی کشاورزی و دامداری، درگیری بر سر مرتع و منابع آبی، خشکی قنوات و چشمه‌ها، شور شدن منابع آبی، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری و ... انجامیده است و آثار اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی که بر جای می‌گذارد به دلیل زیانهای وارده به محیط پیرامون، تقریباً جبران‌ناپذیر خواهد بود. اگرچه بحران بر همه فعالیتها اثر می‌گذارد، ولی آثار زیان بار آن بر روستاها و محدوده‌های عشایری به دلیل وابستگی اقتصاد آنها به منابع آب و خاک بیشتر آشکار است. اگر دولت و مردم همکاری کنند آثاری که بحران آب در حوضه‌های آبریز غرب استان فارس بر امنیت زیست محیطی برجای می‌گذارد و سبب کندی در فرایند توسعه محیطی می‌شود، به کمترین میزان خواهد رسید. برای نمونه در بسیاری از روستاها به دلیل وقوع بحران آب، شاهد فقر شدیدی هستیم که، انگیزه روزافزون روستائیان را برای همکاری در اداره امور جامعه خود سست می‌کند؛ درحالی‌که همکاری آنان به توسعه روستایی می‌انجامد. ساکنان حوضه‌های آبریز غرب استان فارس طی دوره‌های مختلف زمانی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی چالشهای متنوعی را پشت سر نهاده‌اند.

تحقیق میدانی در منطقه نشان از آن دارد که افزایش جمعیت مناطق تحت پوشش حوضه‌های آبریز غرب استان فارس و نیز کمبود بارش و ایجاد بحران آب در سالهای اخیر زمینه‌ساز مهاجرت‌های گسترده در منطقه شده و این امر خالی شدن روستاها از جمعیت و تبعات امنیتی، زیست‌محیطی و اقتصادی را ایجاد کرده و می‌کند. مدیریت بحران آب و نقش سرمایه انسانی در آن و ایجاد برنامه‌ریزی و رویکردی استراتژیک می‌تواند در ابتدا ضمن ایجاد زیرساخت‌های فنی، نهادی و خدمات در منطقه زمینه ساز جلوگیری از تنش‌های بحران آب شده که با ایجاد فناوری‌های نوین در بخشهای دامداری و کشاورزی، آموزش‌های لازم به کشاورزان و روستائیان و تبیین الگوهای موفق می‌تواند انجام گیرد. پس از آن بر مبنای ظرفیت‌های اجتماعی منطقه که مشتمل بر دانش بومی کشاورزی، جمعیت متناسب نقاط روستایی، بهره‌گیری از مشارکت محلی و ... می‌باشد، ضمن بسط برنامه‌ریزی مدیریت بحران آب می‌تواند به حفظ جوامع روستایی، جلوگیری از مهاجرت و همچنین افزایش بازدهی کشاورزی اندیشید. در روستاهای مورد مطالعه چندین طرح

گلخانه‌ای، استفاده از روش‌های نوین آبیاری، ایجاد واحدهای صنعتی مرغداری و دامداری و ... تأسیس شده است که زمینه ساز جذب نیروی کار و جوان و حتی جذب جمعیت و کاهش جمعیت گریزی شده است که می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تبعات محیط‌زیست انسانی و امنیت زیست محیطی در منطقه باشد. بنابراین برای جلوگیری از تبعات بحران آب در حوضه‌های آبریز منطقه مورد مطالعه لازم است که عوامل و فاکتورهای زیست محیطی مناسب و مؤثر شناسایی شوند و بر اساس آن برنامه‌ریزی انجام گیرد. بر این اساس با توجه به یافته‌های پژوهش هر چهار متغیر طبیعی، محیط‌زیست جانوری-گیاهی و محیط زیست انسانی و اقلیم در حوضه‌های آبریز درگیر بحران آب شده‌اند و از آن تأثیر زیادی را پذیرفته‌اند.

نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج تحقیق مختاری‌هشی و مرادی (۱۴۰۰) که در مقاله‌ای با عنوان تبعات زیست محیطی بحران آب در ایران، پرداخته‌اند، همسو بوده و بیان می‌کنند که ایران از نظر موقعیت جغرافیایی در کمربند خشک کره زمین قرار گرفته است که این امر موجب کمبود طبیعی آب در کشور شده است. ایرانیان از دیرباز برای کنار آمدن با این امر، دست به اقداماتی نظیر احداث قنات، آب‌بند و آب‌انبار و... در بیشتر مناطق کشور زده‌اند. یافته‌های تحقیق مصادیقی از این وضعیت در گوشه و کنار کشور را به نمایش می‌گذارد. به طوری که بحران آب در ابعاد گوناگونی محیط‌زیست و اکوسیستمهای طبیعی را در کشور تخریب کرده و تبعات جبران ناپذیری بر جای گذاشته است. همچنین با نتایج تحقیق نصرآبادی (۱۳۹۴) که در مقاله‌ای با عنوان شواهد زیست محیطی بحران آب ایران و برخی راه‌حل‌ها، پرداخته است و بیان می‌کنند که ایران مشابه بسیاری از کشورهای خشک و نیمه خشک جهان در دهه‌های اخیر کمبود جدی در منابع آب را تجربه کرده و در حال حاضر با بحران آب مواجه است. علاوه بر پدیده‌های محیطی و طبیعی همچون خشکسالی‌ها، تغییر الگوهای اقلیمی، افزایش دما و تبخیر و تعرق، بحران آب ایران ریشه در رشد فزاینده و توزیع نامتعادل جمعیت، سوء مدیریت منابع آب، ناکارآمدی بخش کشاورزی، بخشی‌نگری مدیران، رشد لجام گسیخته شهرنشینی و نبود فرهنگ مناسب مصرف و ارزش واقعی آب دارد.

باتوجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهاد داد که:

۱- توسعه صنایع تبدیلی تکمیلی همچون بسته بندی محصولات کشاورزی منطقه همانند حبوبات و ... در جوامع ساکن در حوضه‌های آبریز استان فارس تا با برقراری پیوندهای دانش بومی و سنتی، زمینه توسعه اشتغال را در بخش غیرزراعی برای جوامع مختلف فراهم گردد تا زمینه‌ساز جلوگیری از مهاجرت آنها شده و از ظرفیت مؤسسات پژوهشی، مراکز دانشگاهی و دستگاه‌های اجرایی برای مقابله با بحران آب بهره‌گیری شود.

- ۲- برنامه جامع کارشناسان مجرب، متخصص و آگاه به مسائل بحران آب و ارائه دانش لازم در زمینه بحران آب و راههای مقابله با آن در منطقه برای سازگاری و ارائه اطلاعات به صورت قابل فهم تا همواره آگاه باشند به اینکه در چه زمانی، چه راهبردی را چگونه به کار گیرند.
- ۳- در راستای حفظ پوشش گیاهی و جلوگیری از فرسایش آبی و بادی ناشی از بحران آب و از بین رفتن زیستگاه‌های جانوری، افزایش نظارت دولت و مشارکت محلی و بهره‌گیری از تخصص‌ها و مهارت‌ها بر نحوه بهره‌برداری از مراتع، احیای مراتع از طریق اعمال قرق، توزیع علوفه یارانه‌ای در بین کشاورزان به منظور تعلیف دام و کاهش فشار بر مراتع، احداث، مرمت و بازسازی آبشخورهای دامی، استقرار منابع سیار آبرسانی، تأمین سوخت مناطق روستایی و عشایری جهت جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در کاهش این دسته از اثرات مفید باشد.
- ۴- آموزش‌های مهارت‌های لازم به مردم محلی برای مدیریت بهینه آب و ارائه الگوهای کارآمد و دانشی برای مدیریت بحران آب و جلوگیری از جریان مهاجرت با توجه به کاربست متناسب منابع آبی و افزایش بازدهی کشاورزی می‌تواند ضمن حفظ جوامع و جمعیت روستایی به اقتصاد محلی و ملی کمک نماید.
- ۵- افزایش اطلاعات و مهارت‌های ساکنین محلی برای مقابله با بحران آب با استفاده از دوره‌های ترویجی در مناطق مختلف و استفاده از مروجان کارآموده به منظور معرفی و نحوه به‌کارگیری آخرین تکنولوژی بهره‌بردار از زمین و مراتع در میان آنها تا علاوه بر افزایش سطح آگاهی و مهارت‌ها، سطح تولید را نیز افزایش دهند و به مناسب کردن نظام خدمات عمومی و بیمه در حوزه مقابله با عوارض بحران آب در سطح مناطق اقدام شود.

کتابنامه

- احسانی، جهانبخش و همکاران؛ (۱۳۹۴)؛ نشانه‌های زمین‌ریختی زمین‌ساخت فعال حوضه آبریز جراحی - هندیجان (رودخانه‌های مارون - زهره) در جنوب باختر ایران؛ فصلنامه علوم زمین، سال ۲۴، شماره ۹۵، صص ۲۱۸-۲۱۱.
- دانشپور، عبدالهادی و پریور، پانته‌آ؛ (۱۳۹۲)؛ ارتقای کیفیت عملکرد اکولوژیکی و زیبایی شناختی منظر رود دره‌های شهری با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتب (رود دره کن، شهر تهران)؛ پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۴، شماره ۸.
- رزاقی، ربابه؛ (۱۳۹۹)؛ امنیت زیست‌محیطی و بحران آب؛ پنجمین همایش بین‌المللی و یازدهمین همایش ملی گردشگری جغرافیا و محیط‌زیست پایدار، همدان.
- زندفر، سمیرا؛ (۱۳۹۸)؛ بررسی علل خشکیدگی چشمه‌ها در حوضه آبریز رودخانه زهره - جراحی؛ نشریه طبیعت ایران، شماره ۱۴، اردیبهشت، صص ۱۶-۹.
- زین‌العابدین‌عموقین، یوسف؛ (۱۳۹۸)؛ ژئوپلیتیک زیست‌محیطی (انسان، منابع و توسعه)؛ رشت : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، چاپ اول

شریعتمداری، آیدا و انصاری مقدم، دنیا؛ (۱۳۹۴)؛ چالش بحران آب و محیط‌زیست در ایران و جهان؛ همایش ملی بحران کم آبی و راه‌های برون‌رفت، همدان.

طاهری، عصمت و طاهری، مهری؛ (۱۳۹۳)؛ محیط‌زیست و انواع آلودگیها؛ اولین همایش ملی محیط‌زیست، اصفهان، <https://civilica.com/doc/279401>

کاویانی‌راد، مراد؛ (۱۳۹۷)؛ امنیت‌زیست محیطی ایران؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
کھیل، مایکل (۱۳۸۷)، محیط‌زیست و سیاست اجتماعی؛ ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و سهراب امیریان؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

مختاری‌هشی، حسین؛ (۱۴۰۰)؛ تبعات زیست محیطی بحران آب در ایران؛ فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۳، شماره ۲، بهار، صص ۱۳۱-۱۱۶.

نصرتی، حمیدرضا و کاویانی‌راد، مراد و ساسان‌پور، فرزانه؛ (۱۳۹۸)؛ واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک؛ فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۵(۵۳)، صص ۲۳-۵۹.

Homer-Dixon, Thomas F. (1991). On the Threshold: Environmental Changes as Causes of Acute Conflict; *Journal of International Security*, Vol. 16, No. 2 (Fall), pp. 76-116, Published By: The MIT Press, <https://www.jstor.org/stable/2539061>

Lawrence, Justin E. & Pavia, Christopher P. W. & Kaing, Sereyvicheth & Bischel, Heather N. & Luthy, Richard G. & Resh, Vincent H. (2014-04-03). "Recycled water for augmenting urban streams in mediterranean-climate regions: a potential approach for riparian ecosystem enhancement". *Hydrological Sciences Journal*. 59 (3-4): 488-501.

(1990). Crossing Borders: Resource Flows, the Global. Lipschutz, R. D. and Holdern, John p Environment, and International Security; *Journal of Bulletin of Peace Proposals*, Vol. 21, No. 2 (June), pp. 121-133. <https://www.jstor.org/stable/44481511>.

Marianne S. (2017). Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis; Columbia University, School of International and Public Affairs – New York, USA, p. 5. Available at: http://www.geest.msh-paris.fr/IMG/pdf/Security_for_Buzan.mp3.pdf.

Toset, H.P.W. & Gleditsch, N. P. & Heger, H. (2000). Shared River and Interstate Conflict, *Political Geography*, Vol. 19, No. 8, PP. 971-996.

Zurlini, G. & Müller, F. (2008). Environmental Security; In book: Encyclopedia of Ecology, Vol. 4 System Ecology (pp.1350-1356) Chapter: Environmental Security Publisher: Oxford: Elsevier Editors: Sven Erik Jørgensen and Brian D. Fath (Editor-in-Chief), DOI:10.1016/B978-008045405-4.00707-2,

https://www.researchgate.net/publication/235698902_Environmental_Security